

گاهنامه هنر و مبارزه

15 نوامبر 2011

حقیقت دربارهٔ موضع گیری غرب در رابطه با سوریه : تضعیف ایران
موضوع بشر دوستانه چیزی نیست به جز جمله پردازی ظاهری
برای از میان برداشتن نفوذ ایران در منطقه.

نوشتهٔ تونی کارتالوچی
(ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی)

par Tony Cartalucci



Mondialisation.ca, Le 14 novembre 2011
landdestroyer.blogspot.com



همان گونه که در مقاله «خاورمیانه و سپس جهان» (1) به تاریخ فوریه 2011 نو شتم «بهار عرب» به پشتیبانی مالی و نظامی از جانب ایالات متحده، خیلی دور از جنبشی خود جوش و ارگانیک بوده، و هدف آن به طریق اولی از پیش تعیین شده و با نقشه قبلی برای بی ثبات ساختن منطقه به نفع حاکمیت وال استریت و «سیتی لندن» (مرکز مهم امور مالی و تجاری در لندن) انجام گرفت. و علاوه بر این در پی منزوی ساختن مسکو و پکن بود تا تاکتیکی را به کار برد که «نظم بین المللی صنعتی - فاشیست بی رقیبی را بر قرار سازد.

سناتور آمریکایی جان مک کین، رئیس بنیاد بین المللی جمهوری خواهان (2)، سازمانی که به هدف اغتشاش و شورش های فرامرزی و انقلاب در اقسا نقاط جهان ایجاد شده بود، به روشنی گفت که شورش هایی که بنیاد بین المللی جمهوری خواهان در مصر و در لیبی از آنها پشتیبانی کرده است، اکنون وظایف مشابهی را در سوریه به عهده گرفته اند : «امروز، اگر به جای ولادیمیر پوتین در کرملن با مأموران کاگ ب بودم زرنگی کمتری به خرج می دادم. در ایستگاه بندری رئیس جمهور «هو» و تعدادی از مردان سیاسی که برای سرنوشت یک میلیارد و سیصد میلیون چینی تصمیم می گیرند، احساس امنیت کمتری دارم.»،

مک کین که آشکارا با القاعده در لیبی هم پیمان شد، یک هیئت نمایندگی فاشیستی را برای ملاقات به قاهره فرستاد، یعنی قاهره ای که اکنون به شکل علاج ناپذیری در ورطه بی ثباتی افتاده، در حالی که آنها پس از بذر شورشی که توسط بیگانگان کاشته شده بود، در پی جمع آوری محصول آن هستند. این وقایع روشنگر ماهیت تاکتیک کلی در فراسوی انقلاب های رنگین و متکی به

پشتیبانی مالی ایالات متحده بوده که پایانه نهایی آن پایتخت های مسکو و پکن می باشد.

اکنون، «اورشلیم پست» گزارش می دهد که « برای تضعیف ایران، حمله به سوریه می تواند با کمترین هزینه امکان پذیر گردد، و به این ترتیب آشکار می شود که همواره هدف کسب قدرت بیشتر بوده و مسائل بشر دوستانه جزء انگیزه های اصلی غرب در سوریه نیست، و شورش و ناآرامی هایی که در شهرهای مرزی سوریه به وقوع پیوسته از جانب عوامل بیگانه پشتیبانی شده و هدفش تضعیف منطقه نفوذی ایران بوده است. در نتیجه طرح مسائلی که این ناآرامی ها را به موضوع دموکراسی گره می زند، در واقع جمله پردازی های عوام فریبانه ای بیش نیست و تنها می تواند برای آنهایی کارایی داشته باشد که هر گزارشی را همیشه بی آن که آگاهی کافی از آن داشته باشند می بلعند.

«لو پست» گزارش داده است که گابریل بن - دور، مدیر بررسی های امنیت ملی در دانشگاه حيفا، از تصمیم اخیر اتحادیه عرب مبنی بر تعلیق سوریه، اظهار خشنودی کرد، ولی اضافه کرد که در آینده برای تضمین چنین موقعیتی اقداماتی ضروری خواهد بود، و به این ترتیب موقعیت میانجی گر و پرده حائل اتحادیه عرب را برای منافع وال استریت، سیتی لندن و اسرائیل آشکار ساخت.

آرزوی گابریل بن - دور تضعیف محور ایران، سوریه و حزب الله است، یعنی تضعیف اتحادیه ای که تمام قدرت های اصلی جهان عرب نیز خواهان آن هستند. به این ترتیب، به شکل غیر قابل انکاری، با نقل قول از گزارشات رسانه های همگانی در این شش ماه گذشته، از دیدبان حقوق بشر سوریه که در لندن مستقر می باشد، و از سوی ژرژ سورو دیدبان حقوق بشر و عفو بین الملل تأمین مالی می شود، چیزی به جز تبلیغات شرم آور برای توجیه جنگ نیابتی از طریق میانجی گرها نبوده و این جنگ نیابتی نیز از طریق گروه های جوانی که توسط ایالات متحده در مصر آموزش دیده اند، و اوپاش های القاعده در لیبی و مبارزان برادران مسلمان در سوریه انجام گرفته است.

مقاله « سوریه خواستار بازنگری تعلیق خود از اتحادیه عرب شد» نوشته ارن کسلر در «اورشلیم پست» و آژانس رويترز، کاملاً سرشت تبانی و هم خوابگی رسانه های همگانی را آشکار می سازد که در خدمت فاشیسم جهانی قرار گرفته است، که ظاهراً نسبت به مسائل بشر دوستانه اظهار نگرانی می کنند، و بر این اساس که می بنیم چگونه سازمان ملل متحد و «مبارزان» بی اعتبار می شوند. این نمایش تند و تیز و نفس گیر تبلیغاتی که توسط ماشین اتحادیه ها در برنامه آنها دیده می شود، بی اعتباری اعتراض کنندگان و شورش های مصنوعی را که توسط غرب در سوریه به پا شد، و «مبارزانی» را که توسط

بیگانگان از منابع گوناگون در سر تا سر جهان تأمین مالی شده بودند و دروغ پردازانی را که برای تبلیغ در رسانه ها مزد گرفته اند، آشکار می سازد.

با آگاهی به تمام مواردی که مطرح کردیم، شاید مناسب باشد که دوباره مقاله «خاورمیانه و سپس جهان» را به عنوان گواهی بر خود بزرگ بینی وال اسرتریت و سیتی لندن بخوانیم که با خیل خیانت کاران، به نام «حقوق بشر» و «دموکراسی» و «بشر دوستانه» ما را بیش از پیش به سوی سومین جنگ جهانی سوق می دهند.

Article original en anglais :

<http://landdestroyer.blogspot.com/2011/11/jp-blabs-truth-about-western-stance.html>

پا نوشت

(1)

Friday, February 18, 2011

The Middle East & then the World

Globalist blitzkrieg signals largest geopolitical reordering since WW2.
analysis by Tony Cartalucci

<http://landdestroyer.blogspot.com/2011/02/middle-east-then-world.html>

(2)

International Republican Institute (IRI)

(3)

“Le Moyen-Orient et ensuite le monde”

<http://landdestroyer.blogspot.com/2011/02/middle-east-then-world.html>